

● تاریخ شفاهی نشر ایران

● عبدالحسین آذرنگ، علی دهباشی

(با همکاری طوبی ساطعی)

● چاپ اول - ۱۳۸۲

● ۴۸۶ ص - قطع رقی

● انتشارات ققنوس

با مطالعه تاریخ شفاهی نشر ایران این نکته به ذهن متبادر می‌شود که اگر مؤسسه‌ای دولتی متولی چنین کار سترگی می‌بود، بی‌تردید میلیونها تومان بودجه صرف این پروژه می‌شد و سرانجام، یا متن مصاحبه‌های انجام شده در بایگانی اداره خاک می‌خورد و یا حداقل افراد متعدد اعمال نفوذ می‌کردند و به سلیقه خود در متن آنها چنان دست می‌بردند، که کل کار مغشوش می‌شد. با توجه به نوع بوروکراسی و باندبازی و تئوری خودی و غیرخودی که در مؤسسات فرهنگی و تک قطبی سراغ داریم، دست‌کم ماحصل کار چیزی می‌شد که انتظار نداشتیم و لامحاله همان بلایی سر این نوع پروژه می‌آمد که بر سر سایر پروژه‌های از این نوع آمده است. چنان‌که نگارنده خود شنیده است که گویا مؤسسه‌ای میلیونها تومان صرف این کار کرده است و پس از سالها هنوز هم کتابی در این موضوع منتشر نشده است و اگر هم در آینده چنین کتابی منتشر شود معلوم نیست در حد و حدود این کتاب خواهد بود یا نه؟

به هر تقدیر، وظیفه مدیران و سیاستگذاران نشر این است که از جریان امور آگاهی یابند و از رهگذر این آگاهی - البته آگاهی بر مبنای اطلاعات کامل و صادقانه، نه ناقص و مغرضانه - بتوانند تصمیم مؤثری اتخاذ کنند و میزان پیشرفت امور نشر را با برنامه‌ریزی صحیح ارتقاء دهند. پرواضح است که چاپ و نشر و از همه مهمتر انجام چنین مصاحبه‌هایی، افزون بر آگاهی در حوزه مربوطه ضرورت صرف وقت و سرمایه‌گذاری بسیاری را می‌طلبد. اما آنچه در نگاه اول به



چشم می خورد این است که آقایان عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی از حمایت مادی و معنوی دولت برخوردار نبودند، با این اوصاف عشق و علاقه و دلسوزی این فرهیختگان سبب شده است که کاری آفریده شود کارستان. از دیگر سو، این بزرگواران در حوزه نشر و چاپ بی اطلاع نیستند و کاری که ارائه داده اند، فی الواقع می توان آن را پایه و منبعی برای دایرةالعمارف تاریخ شفاهی نشر ایران قلمداد کرد. با مطالعه این مصاحبه ها هم با خادمان واقعی نشر و هم با سیر تطور نشر در ایران آشنا می شویم و نیز گذار از روش سنتی به مدرن و نقایص و کمبودهای این صنعت در طول سالها برایمان برملا می شود.

این کتاب مشتمل است بر ۲۱ گفت و گو که فی الواقع براساس تاریخ گفت و گوها تنظیم شده است. کسانی که در این گفت و گوها شرکت کرده اند، اغلب از جمله بزرگان و پیشکسوتان عرصه نشر و «فعالان نشر امروز یا صاحب نظرانی اند که نظرگاهشان به جنبه های تاریخی و تحول نشر کتاب در ایران پرتو می افکند.» از این ۲۱ گفت و گو ۱۸ مورد پیش از این در بخارا منتشر شده است و بقیه برای اولین بار انتشار می یابد.

در این گفت و گوها به حاشیه و نکات غیراصلی پرداخته نشده است و از این رهگذر صحبت ها در مسیر اصلی و سودمند خود جریان می یابد. خواننده با تورق این کتاب برنامه ریزی صحیح را به عیان می بیند. پرسشها به گونه ای دقیق و روش مند و گاه کلی تنظیم شده است و

معمولاً این سؤالات و پاسخها اطلاعات ناشناخته و جالبی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. مصاحبه نخست با عبدالرحیم جعفری صورت گرفته است. این مصاحبه رویکردی به گذشته است و نیز وضع نشر کتاب پیش از انتشارات امیرکبیر. چگونگی آغاز و نخستین کتابهایی که عبدالرحیم جعفری به چاپ آنها همت گذاشته از دیگر موضوعهای مطرح شده در این مصاحبه است. در اینجا با یکی از مؤثرترین و پرکارترین ناشران آشنا می‌شویم؛ ناشری که هم نظری به کتابهای سنتی دارد و هم به مسائل مدرن از جمله دمکراسی و زندگی نامه دانشمندان و دانشوران. فکر تأسیس چاپخانه و سیر تطور انتشارات از دیگر موضوعات این مصاحبه است.

مصاحبه دوم تعلق دارد به بیژن ترقی نوه حاج شیخ باقر کتابفرویش زمان ناصرالدین شاه. سومین مصاحبه اختصاص دارد به استاد ایرج افشار. در این مصاحبه هم با فعالیتهای ایرج افشار در حوزه نشر آشنا می‌شویم و هم اینکه ایشان چگونه باب دوره مهم‌تری را در انتشارات دانشگاه تهران گشودند. و از زمانی که ایشان مسؤل انتشارات دانشگاه شدند چه تحولاتی در عالم نشر کتابهای دانشگاهی روی داد. نوع ارزیابی شورای کتاب، مسائل ویرایش زبانی یا محتوایی، تشکیل موزه دانشگاه تهران از دیگر موضوعات مهم این مصاحبه است.

در مصاحبه احسان نراقی به مسائل یا پس پرده سانسور کتاب پرداخته شده است. این مصاحبه یکی از مهمترین مصاحبه‌های این مجموعه است. در این مصاحبه در باب ملاقات آل‌احمد و ساعدی با هويدا، مناسبات دوستانه و خصوصی نراقی با هويدا مطالب مهمی آمده است. و نیز چگونگی سانسور و دخالت ساواک در سانسور، نقش ثابتی نماینده ساواک در امور سانسور از امهات مسائلی است که در این مصاحبه آمده است.

علیرضا حیدری رئیس انتشارات خوارزمی در مصاحبه خود می‌گوید که «از همان ابتدا ویرایش در مؤسسه خوارزمی بسیار جدی بود، اگر کتابی ترجمه بود، حتماً با متن اصلی مقابله می‌شد، اگر تصحیح بود تصحیحات سنجیده می‌شد اگر تألیف بود ویرایش تألیفی می‌شد. مثل کتاب خانم دانشور که بسیار هم خوب بود و یکی از کارهای خوب خوارزمی به شمار می‌آید.» وی در ادامه گفتار خود می‌گوید که طرح اولیه ویرایش را جلال آل‌احمد در میان گذاشت و جلساتی متشکل از آل‌احمد و دانشور تشکیل شد. افرادی چون فرامرز بهزاد، حسینی‌زاد، مجتهدی، ابوالحسن نجفی، رضا سیدحسینی و مهشید امیرشاهی از دیگر ویراستاران این انتشارات بودند. در این مصاحبه در باب سانسور و طراحی مبتنی بر نیاز و خدمات دکتر مهاجرانی در دوران وزارت ارشاد مطالب درخور تأملی آمده است.

آخرین مصاحبه تعلق دارد به حسین پایا، فارغ‌التحصیل رشته فلسفه و مؤسس نشر طرح نو. در این مصاحبه به چگونگی پاگرفتن این انتشارات، از چاپ کتاب کودک گرفته تا خاطرات سیاسی

و در نهایت رویکرد به نشر کتابهای فلسفی و ادبی پرداخته شده است. پایا در مورد هدف خود از نشر می‌گوید: هدفم نوآوری است که بتواند در حوزه فرهنگ عمومی نگاه و اندیشه را تعمیق ببخشد و کتاب‌هایی منتشر شود که تأمل برانگیز باشد و دیگران را هم به این فضا بکشاند و در این فضا سهیم گرداند.

به گمان نگارنده برای کسانی که می‌خواهند اطلاعات بکری در باب نشر ایران به دست آورند، خواندن این کتاب از ضروریات است چرا که در این کتاب مواد لازم برای تحقیق فراوان یافت می‌شود و می‌توان نکته‌هایی مهم در باب صنعت نشر در آن یافت. و در ضمن وقت خواننده بر سر مطالب و مسائل زائد و بیرون از حوزه نشر تلف نمی‌شود.

نمایه‌ای که ناشر برای کتاب تنظیم کرده است خوب است اما خالی از ایراد نیست. مثلاً اسم کوچک آربری، آموزگار، ازهاری، استالین، اسکندری، ایزدی، ایزوتسو و... نیامده است. در مورد انتشارات بهتر بود مثلاً مدخل به صورت انتشارات ابن سینا می‌آمد، نه «ابن سینا، انتشارات» یا حداقل این قاعده مراعات می‌شد:

ابن سینا، انتشارات ← انتشارات ابن سینا.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

انتشارات قلم منتشر کرده است:

## دومین یادنامه دکتر یدالله سبحانی

(اسوه اخلاق و سلوک اجتماعی)

به کوشش علی اکرمی

تهران، تقاطع بهار و سمیه، ساختمان ایرج، طبقه همکف شماره ۶.

کدپستی ۱۵۷۱۸ — تلفن: ۸۳۱۲۸۹۳ — ۸۸۲۹۳۶۴